

انجام داده‌اند که از بنیادی‌ترین آن‌ها در سال‌های اخیر، تدوین «سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران» است. این سند در سال ۱۳۹۰ به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید و به وزارت آموزش و پرورش برای اجرا ابلاغ شد. سند مذکور درصدد است با بازخوانی و بازتولید تمام مؤلفه‌ها و عوامل آشکار و پنهان نظام تعلیم و تربیت، اعم از مبانی نظری و فلسفی، اهداف، اصول، رویکردها، روش‌ها و ... زمینه تربیت آگاهانه و آزادانه، نسلی مؤمن، خلاق، فعال، با نشاط، شایسته و وفادار به ارزش‌های ایران اسلامی را متناسب با تحولات محیطی و نیازهای زمان، تا رسیدن به مراتبی از حیات طیبه فراهم آورد. انجام این رسالت خطیر، از منظر سازمانی، نیازمند آموزش و پرورش با کیفیتی، چابک، کارآمد و اثربخش، مشارکت‌جو و رقابت‌پذیر و برخوردار از فناوری‌های نوین و بهره‌مند از آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی است. سند تحول بنیادین، منادی چنین نهاد فرهنگی - تربیتی و تحقق بخش تحولات اساسی و همه‌جانبه در نظام آموزش و پرورش کشور در افق ۱۴۰۴ است. (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۶) همچنین، سند «مبانی نظری تحول بنیادین تعلیم و تربیت رسمی و عمومی» که دارای سه بخش: ۱. فلسفه تربیت، ۲. فلسفه تربیت رسمی و عمومی و ۳. رهنامه نظام تربیت رسمی و عمومی در جمهوری اسلامی ایران است با مشارکت شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی در این راستا تدوین شده است.

در سند یاد شده برای نظام تربیت رسمی و عمومی، شش زیرنظام عنوان شده است که هر یک نقش پراهمیتی در تحقق اهداف نظام تربیتی دارند. این زیرنظام‌ها عبارت‌اند از:

۱. راهبری و مدیریت تربیتی،
۲. برنامه درسی،
۳. تربیت معلم و تأمین منابع انسانی،
۴. تأمین و تخصیص منابع مالی،
۵. فضا، تجهیزات و فناوری،
۶. پژوهش و ارزشیابی

می‌توان گفت این شش زیرنظام، چرخ‌دنده‌های اصلی در به حرکت درآوردن موتور نظام آموزشی کشور جهت تحقق حداکثری اهداف تربیتی خواهند بود. البته نحوه ارتباط این چرخ‌دنده‌ها با یکدیگر و همیاری آن‌ها در چرخاندن محور اصلی نظام آموزشی و همچنین روان بودن حرکات این چرخ‌ها با کمترین اصطکاک مسئله بسیار اساسی و مهمی است که در ادامه به تشریح آن خواهیم پرداخت.

ارتباط و تعامل زیرنظام‌ها

همان‌طور که اشاره شد، با توجه به دیدگاه تدوین‌کنندگان سند تحول بنیادین، شش زیرنظام به‌عنوان ستون‌های اصلی این سند مبتنی بر فلسفه تربیت رسمی و عمومی تعریف شده است که انتظار می‌رود از انسجام و یکپارچگی موردنظر برخوردار باشند؛ چرا که یکی از ضعف‌های موجود در نظام آموزشی کشور



زیرنظام‌های کلیدی در نظام آموزش و پرورش

دکتر حسن مظاهری

دانش‌آموخته دکترای برنامه‌ریزی درسی

مقدمه

نهاد تعلیم و تربیت در هر جامعه‌ای می‌تواند محور توسعه و رشد آن جامعه باشد، چرا که گستره فعالیت این نهاد، تمام عرصه‌های زندگی را دربر می‌گیرد، به‌ویژه که به مدت چهارده سال (چهار الی هجده سالگی) رشد دانش‌آموزان را در ابعاد مختلف تحت پوشش قرار می‌دهد.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آموزش و پرورش به دلایل مختلف، از جمله ضرورت استقرار بر پایه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، هماهنگی با حرکت شتابان و تحولات سریع اجتماعی و بهره‌گیری از تجارب موفق آموزشی و تربیتی عصر حاضر، نیاز به تحول بنیادین داشت تا بتواند کارکردی منطبق با مبانی اسلامی و انقلابی داشته باشد. در اهمیت وجود فلسفه تربیت برای هر نظام آموزشی باید گفت که وجود چنین فلسفه‌ای به‌عنوان اساس آموزش و پرورش، منجر به هدفمند شدن و انسجام فعالیت‌های بخش‌های مختلف نظام تربیتی می‌شود. نظام آموزشی متکی بر فلسفه نه تنها اهداف و موازین تربیتی را با دید نقادانه انتخاب و تعیین می‌کند، بلکه برای تحقق آن‌ها، رهنمودهای کلی نیز نشان می‌دهد. طی سه دهه گذشته، نهادهای سیاستگذار در حوزه تعلیم و تربیت ایران، تلاش‌های فراوانی را در این جهت

ضروری است متولیان هر یک از زیرنظام‌ها، با اولویت قرار دادن به ارتباط و انسجام زیرنظام‌ها با همدیگر نسبت به تدوین سند عملیاتی زیرنظام خود بر اساس سند تحول بنیادین اقدام نمایند.

کرد پیاده‌سازی نظام ۳-۳-۶ از سال ۱۳۹۰ به بعد است که به دلیل هم‌راستا نبودن و عدم آمادگی تمام زیرنظام‌ها برای انجام چنین حرکت سنگینی کاملاً تحقق نیافت. یکی از موارد مهم در این خصوص، استقرار پایه ششم ابتدایی در سال ۱۳۹۱ بود که چون ساختمان اکثر مدارس ابتدایی با ساختار پنج‌پایه بنا شده بود، مدارس آمادگی پذیرش چنین تغییری را نداشتند؛ و با اینکه با افزودن پایه ششم بیش از شصت هزار معلم دوره ابتدایی موردنیاز بود که تأمین آن بسیار مشکل بود. در بحث برنامه درسی نیز همین مسئله مشهود است. اگرچه از سال ۱۳۹۰ به بعد برنامه‌ریزان و مؤلفان کتاب‌های درسی تلاش کرده بودند رویکردهای نوین و شایستگی‌های اساسی را در کتاب

درسی لحاظ نمایند، اما نظام سنجش و ارزشیابی در این زمینه هم‌راستا و به‌روز نشد و سنجش پیشرفت تحصیلی محدود به همان آزمون‌های قلم کاغذی و مبتنی بر حفظیات در حال انجام است. این‌ها تنها مثال‌های ساده‌ای از عدم انسجام و ناهماهنگی زیرنظام‌هاست و بایستی مسائل بنیادی‌تر از این، موردتوجه قرار گیرد.

به‌نظر می‌رسد هماهنگی کامل و معنادار میان این زیرنظام‌ها از طریق ادغام آن‌ها و قرار دادن همگی زیر سقف واحد میسر نمی‌شود، همان‌طور که تجربه گذشته تغییر ساختار تشکیلات وزارت آموزش و پرورش هم خدمتی به این مسئله نکرد. به تعبیر خلخالی (۱۳۸۱) حرکت همسو و هم‌شتاب بخش‌های متولی چنین امر خطیری، تنها از طریق التزام عملی تمامی متولیان به تعریف علمی برنامه و لحاظ کردن استانداردها و هدف‌های مشترک ممکن است (خلخالی، ۱۳۸۱: ۱۶).

لذا ضروری است متولیان هر یک از زیرنظام‌ها، با اولویت قرار دادن به ارتباط و انسجام زیرنظام‌ها با همدیگر، نسبت به تدوین سند عملیاتی آن زیرنظام بر اساس سند تحول بنیادین اقدام نموده و برای پیاده‌سازی آن سند در عرصه عمل در بدنه نظام آموزشی تلاش نمایند. اما سؤال اساسی این است که در بحث انسجام و یکپارچگی، کدام‌یک از این شش زیرنظام از نقش محوری و کلیدی برخوردار بوده و به‌نوعی دیگر زیرنظام‌ها بایستی با در نظر گرفتن چارچوب ساختاری و محتوایی آن به حرکت خود ادامه دهند؟ به عبارت دیگر کدام‌یک از زیرنظام‌ها دیگر زیرنظام‌ها را راهبری می‌کند؟

از گذشته تاکنون، عدم وجود نگاه سیستمی نسبت به اجزا و مؤلفه‌های نظام بوده که سبب شده در بسیاری از موارد عملکرد این اجزا به‌صورت جزیره‌ای و جدا از هم رقم بخورد. آن‌طور که در اسناد تحول بنیادین آمده است تفکیک زیرنظام‌ها از یکدیگر ناشی از جدا بودن مؤلفه‌های مؤثر در تربیت از یکدیگر نبوده، بلکه همان‌طور که در «مبانی نظری تحول بنیادین» بیان شده است: «ارتباط میان مؤلفه‌ها و زیرنظام‌های اصلی رابطه‌ای سیستماتیک و به‌هم پیوسته است و هر یک از زیرنظام‌ها، حسب قلمرو، وظایف و کارکردهای خود ارتباط مستقیمی با برخی از مؤلفه‌های نظام تربیت رسمی و عمومی و ارتباط غیرمستقیمی با برخی دیگر از مؤلفه‌ها دارد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۴۱۲).

خلخانی (۱۳۸۱)، از منظر برنامه‌ریزی درسی، «علت‌العلل» جزیره‌ای بودن مؤلفه‌های نظام را نارسایی‌های نظام برنامه‌ریزی درسی ایران می‌داند که به دو عامل بازدارنده بنیادی زیر مربوط است:

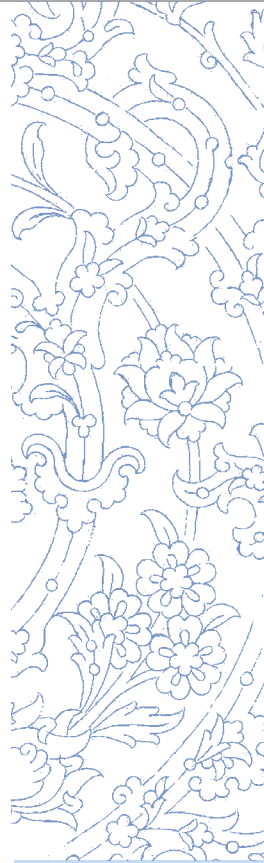
۱. ناتوانی‌های علمی، مهارتی و کمیته‌های فیزیکی نهادهای آکادمیک و ستادی در طراحی، اجرا و ارزشیابی‌های گوناگون برنامه‌های درسی؛

۲. نبود سیاست‌گذاری علمی منسجم در سطح ملی و ناتوانی در رعایت هماهنگی میان مؤلفه‌های گوناگون تشکیل‌دهنده سیستم برنامه‌های درسی (خلخانی، ۱۳۸۱: ۵).

توضیح بیشتر اینکه مدیریت هر یک از زیرنظام‌های آموزشی برعهده معاونت‌ها و سازمان‌های وابسته به آموزش و پرورش قرار گرفته که اغلب ارتباط و هماهنگی لازم را برای برنامه‌ریزی و پیشبرد امور، بین خودشان، ندارند و این نشان از عدم یکپارچگی در برنامه‌ریزی برای تحقق اهداف زیرنظام‌ها دارد. برای نمونه باید گفت در حال حاضر «زیرنظام مدیریت و رهبری آموزشی» تحت راهبری معاونت آموزشی، «زیرنظام مالی» با مدیریت معاونت توسعه منابع و پشتیبانی، «زیرنظام فضا، تجهیزات و فناوری» در اختیار سازمان نوسازی و تجهیز مدارس، «زیرنظام ارزشیابی و پژوهش» با مرکز سنجش آموزش و پرورش یا پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش، «زیرنظام برنامه درسی» با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و «زیرنظام تربیت‌معلم و تأمین نیروی انسانی» با مرکز آموزش نیروی انسانی و دانشگاه فرهنگیان است و این‌ها همه نشانه‌ای از جزیره‌ای عمل کردن زیرنظام‌ها خواهد بود.

در همین حال، مؤلفه سرنوشت‌ساز کنکور هم از اختیار وزارت آموزش و پرورش - که خود تربیت‌کننده دانش‌آموزان طی دوازده سال است - خارج است و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در برنامه‌ریزی برای این مسئله اساسی، تعامل شایسته‌ای را با وزارت آموزش و پرورش ندارد. از طرفی فرایند برنامه‌ریزی برای ارزشیابی تشخیصی واقعی در گزینش دانش‌آموزان، مورد تأیید صاحب‌نظران علوم تربیتی در وزارت آموزش و پرورش نمی‌باشد. نکته‌ای که در اینجا به‌عنوان نمونه می‌توان مطرح





هدف کلی

هدف اصلی در این نگاشته، تبیین نقش زیرنظام محوری در هدایت و راهبری دیگر زیرنظام‌های شش‌گانه است.

یافته‌ها

در بررسی اسناد تحول بنیادین، خصوصاً بخش معرفی و تشریح چارچوب هر یک از زیرنظام‌ها، مشخص گردید که این اسناد بر روی نقش محوری زیرنظام «برنامه درسی» و زیرنظام «رهبری و مدیریت» تأکید بیشتری دارند. تشریح این مسئله در ادامه آمده است.

زیرنظام برنامه درسی

همان‌طور که در اسناد تحول بنیادین مطرح شده است، زیرنظام برنامه درسی در بین زیرنظام‌های شش‌گانه جایگاه محوری دارد، لذا با طراحی و تدوین برنامه‌های درسی مناسب و استاندارد می‌توان زمینه‌ها را بالا بردن کیفیت فرایندهای آموزش و یادگیری مدرسه‌ای و نیز موجبات تحقق اهداف آموزشی نظام و رشد همه‌جانبه دانش‌آموزان را فراهم نمود. اما تضمین دستیابی به انتظارات یادشده، مستلزم همراهی و هماهنگی دیگر زیرنظام‌هاست؛ زیرا همان‌طور که خلخالی (۱۳۸۱) نیز بیان نموده است «برنامه درسی، مطابق تعریف علمی خود، سیستمی (سامانه‌ای) بسیار پیچیده و متشکل از مؤلفه‌های گوناگون، و در حال تعامل با یکدیگر است؛ لذا نباید انتظار داشته باشیم که با تغییر در برخی مؤلفه‌ها، در عین نادیده گرفتن تنگناها و ناهماهنگی‌ها در سایر مؤلفه‌ها، به اصلاح مطلوب و تحول بهینه دست‌یابیم» (خلخالی، ۱۳۸۱: ۲). بنابراین دیگر زیرنظام‌ها (فضا، تجهیزات و فناوری؛ معلم و غیره) که بعضی از آن‌ها به نوعی در عناصر برنامه درسی نیز به آن‌ها اشاره می‌گردد، بایستی با زیرنظام برنامه درسی هماهنگی کاملی داشته باشند.

زیرنظام رهبری و مدیریت

آن‌طور که در سند مبانی نظری تحول بنیادین آمده است، زیرنظام رهبری و مدیریت، نظامی است جامع و چابک در سطوح مختلف کلان، عالی و میانی که ضمن برخورداری از ویژگی‌های سازمان‌یادگیرنده، قادر است با هوشمندی همه نیروهای تغییر را به‌طور هماهنگ، کارا و اثربخش در جهت غایت تربیت یعنی «تحقق مراتب حیات طیبه در همه ابعاد» و اهداف تربیت، یعنی آمادگی متریبان برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد رهنمون سازد. منابع انسانی، مالی، تدارکاتی، اطلاعاتی و زمان، فرایندهای مدیریت و برنامه‌ریزی درسی، پژوهش‌ها، سبک‌ها، نقش‌ها و فنون اداره و اعمال تغییرات لازم و به موقع و سازمان‌دهی و

اصلاح تشکیلات و روش‌ها، از جمله این نیروها هستند که در زیرنظام راهبری و مدیریت تربیتی مورد توجه قرار گرفته‌اند. به بیان دیگر این زیرنظام با برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، رهبری، نظارت و کنترل، تمام عوامل، مؤلفه‌ها، منابع و فرصت‌ها را برای تربیت شایسته متریبان، همسو و هماهنگ کرده و از بروز یا اثربخشی موانع، تهدیدها و آسیب‌ها جلوگیری به‌عمل می‌آورد. همچنین یکی از وظایف این زیرنظام، راهبری عوامل برای دستیابی به اهداف تربیت است. چرا که این زیرنظام مسئولیت دارد تا همه عوامل مؤثر درون و برون‌سازمانی و فرایندهای محیطی را به‌گونه‌ای هماهنگ و همسو نماید تا زمینه تربیت متریبان در راستای تحقق اهداف نظام تربیت رسمی و عمومی فراهم آید. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰)

در سند زیرنظام راهبری و مدیریت (۱۳۹۶) نیز آمده است که: آموزش و پرورش مطلوب، برای تحقق آرمان‌ها و اهداف خود نیازمند مدیریت و راهبری جامع، روشن و روان در سطوح مختلف مدیریت و راهبری کلان، عالی، میانی و اجرایی است. مدیریت و راهبری آموزش و پرورش، به دلیل نقش، ماهیت، احاطه و جایگاه سازمانی خود، به مثابه یک «نظام» قلمداد می‌شود. این بدان معنا نیست که همه مؤلفه‌ها، مفاهیم و وظایف نظام آموزش و پرورش کشور در درون این زیرنظام تعریف، توجیه، تبیین و پیاده‌سازی می‌شوند؛ بلکه حاکی از گستره و شمولیت این زیرنظام نسبت به سایر زیرنظام‌هاست که ضمن هدایت و راهبری؛ زمینه‌ها و تسهیلات لازم را برای انسجام و تحقق اهداف و وظایف آنان، فراهم می‌سازد. (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۶: ۴). به عبارت دیگر، در خصوص انسجام و هماهنگی زیرنظام‌ها، باید گفت هم‌راستا کردن زیرنظام‌ها در سطح مدرسه، با مسئولیت یا محوریت زیرنظام راهبری و مدیریت است تا بتواند تمام مؤلفه‌های آموزشی را در راستای تحقق اهداف تربیتی و کسب شایستگی‌های موردنظر توسط دانش‌آموزان، هدایت نماید. در اسناد تحولی از مدرسه، به‌عنوان پایگاه اصلی تربیت یاد شده و مدیر مدرسه متولی اصلی و رهبر این پایگاه است.

راهبری و محوریت این زیرنظام در سطح مدرسه با بررسی راهکارهای عملیاتی ارائه شده در اسناد نیز مشهود است که در ادامه چند نمونه از این راهکارها بیان شده است.

راهکار ۲/۸. استفاده از ظرفیت برنامه‌های درسی، منابع آموزشی، شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات، کتابخانه، فرصت اردوها و فعالیت‌های برون مدرسه‌ای.

راهکار ۴/۴. افزایش میزان مشارکت خانواده‌ها در فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه، برگزاری دوره‌های آموزشی اثربخش، ارائه خدمات مشاوره‌ای به خانواده‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌زا برای همسوسازی اهداف و روش‌های تربیتی خانواده و مدرسه. راهکار ۷/۲. نهادینه‌سازی و تقویت همکاری مدرسه با مراکز فرهنگی و علمی محله به‌ویژه مسجد و کانون‌های مذهبی و

حوزه‌های علمیه و مشارکت فعال مدیران، معلمان و دانش‌آموزان در برنامه‌های مرتبط محله و نیز حضور نظام‌مند و اثربخش روحانیون توانمند و مبلغان مذهبی با تجربه در مدرسه. راهکار ۸/۶. تقویت شایستگی‌های حرفه‌ای و اعتقادی مدیران و معلمان و فراهم آوردن سازوکارهای اجرایی برای مشارکت فعال و مؤثر ایشان در برنامه‌های تربیتی و فعالیت‌های پرورشی مدارس.

راهکار ۱۶/۳. توجه کافی به شرایط روحی دانش‌آموزان در سنبل بلوغ و ارائه مشاوره و آموزش‌های دینی و اخلاقی متناسب با آن‌ها. (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰)

علاوه بر این‌ها، یکی از جدیدترین برنامه‌هایی که در خصوص مدیریت مدرسه مطرح است **برنامه‌ی تعالی مدیریت مدرسه** است. این برنامه سعی دارد با تکیه بر سند تحول بنیادین و نگاهی تعالی‌بخش، مدرسه‌محور، مشارکت‌جو و کیفیت‌مدار، ضمن تمرکز بر فرایندهای مدیریتی، شرایطی را فراهم آورد تا کلیه عوامل مؤثر در مدیریت مدرسه ضمن شناسایی ظرفیت‌ها و توانایی‌های داخلی و پیرامونی خود، با اتخاذ رویکرد برنامه‌محوری نسبت به تعیین اهداف و طراحی برنامه عملیاتی مدرسه اقدام کند و با نگاهی تیزبین و نقاد به‌صورت مستمر عملکرد مدرسه خود را نسبت به نقشه راه یا برنامه عملیاتی و هدف‌های قصد شده بسنجد (وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۹۳)

نتیجه

با بررسی‌های به‌عمل آمده مشخص گردید که دو زیرنظام «برنامه‌درسی» و «راهبری و مدیریت» در سطوح مختلف نقش محوری و جهت‌دهنده دارند. از این‌رو، زیرنظام برنامه‌درسی در سطح برنامه‌ریزی کلان و به‌عبارتی در مرحله طراحی برنامه‌های درسی نقش محوری و خط‌دهندگی دارد، چرا که برنامه‌درسی به‌عنوان نقشه راه یادگیری، فرایند یاددهی - یادگیری را هدایت می‌کند. از طرفی عناصر برنامه‌درسی در تعامل با دیگر زیرنظام‌ها می‌باشند. به عبارت دیگر برنامه‌درسی است که مشخص می‌کند برای محقق شدن، به چه معلمی و با چه شایستگی‌هایی، چه نوع فضا و تجهیزات و فناوری (محیط یادگیری)، نحوه ارزشیابی و غیره نیاز دارد.

زیرنظام راهبری و مدیریت نیز، در سطح مدرسه، محور و موتور محرک نظام تربیتی است. به‌عبارتی چرخ‌دنده اصلی در سطح برنامه‌ریزی کلان، زیرنظام برنامه‌درسی و در سطح مدرسه، زیرنظام راهبری و مدیریت است. این مدیر است که در مدرسه، یعنی پایگاه تربیتی، با برنامه‌ریزی و ایجاد انسجام و یکپارچگی بین اجزا و عناصر نظام آموزشی، تحقق حداکثری اهداف تربیتی را امکان‌پذیر می‌سازد.

خلاصه کلام اینکه، زیرنظام برنامه‌درسی تعیین می‌کند برای تحقق اهداف تربیتی، چه محتوایی، چه معلمی، چه نوع محیط یادگیری، کدام شیوه ارزشیابی،

چرخ‌دنده اصلی در سطح برنامه‌ریزی کلان، زیرنظام برنامه‌درسی و در سطح مدرسه، زیرنظام راهبری و مدیریت است

چه منابعی و غیره لازم است. در کنار آن زیرنظام راهبری و مدیریت نیز مأموریت دارد نه تنها این خواسته‌ها و شرایط را برآورده سازد، بلکه بایستی در راستای تحقق اهداف تربیتی، انسجام و هماهنگی آن‌ها را نیز مدنظر داشته باشد.

پیشنهادها

- کلیدی‌ترین پیشنهاد اینکه ما به نخ تسبیحی واقعی و فراتر از ایجاد جایگاهی به‌عنوان دبیرخانه نیاز داریم تا عملیاتی‌سازی اسناد تحولی، و ایجاد انسجام و هماهنگی زیرنظام‌های شش‌گانه را تا سطح کلاس درس راهبری و هدایت کنیم. یکی از راهکارهای عملیاتی این مهم، محور قرار دادن دو زیرنظامی است که نقش کلیدی آن‌ها در بالا بیان گردید.

- با توجه به گذشت بیش از پنج سال از تصویب **سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران**، و به نوعی اجرای بخشی از اجزای آن، لازم است بازنگری، اصلاح و ارتقاء این سند در دستور کار قرار گیرد. (چراکه این زیرنظام نقش محوری دارد) - تدوین و تصویب اسناد دیگر زیرنظام‌ها (مواد تصویب نشده) با مدیریت شورای عالی آموزش و پرورش و عملیاتی نمودن آن‌ها در دستور کار قرار گیرد. محوریت در تدوین این اسناد، سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران، تحت هدایت سند تحول بنیادین آموزش و پرورش باشد.

- علاوه بر آموزش معلمان، باید آموزش مدیران و همچنین پیرامول معلمان، که شامل مربیان و دیگر کارکنان مدرسه می‌شود، نیز در اولویت باشد. از طرفی با توجه به نقش اساسی مدیران در مدارس و اهمیت تحصیلات دانشگاهی در موفقیت مدیران و اینکه روال جاری گزینش مدیران مدارس در حال حاضر، انتخاب از بین معلمان مدارس است، توسعه رشته مدیریت آموزشی در دوره تحصیلات تکمیلی در دانشگاه تربیت معلم در دستور کار باشد.

- پیشنهاد دیگری که کمتر با عنوان این مقاله ارتباط دارد، ولی در حین بررسی اسناد احصا گردید، تعریف و تأسیس زیرنظام جدیدی با عنوان **زیرنظام نهادهای غیررسمی** است که به نقش خانواده، رسانه، سازمان‌های غیردولتی و غیره بپردازد. چرا که در اسناد تحول بنیادین بر اهمیت تربیت غیررسمی و ضرورت همسوس بودن آن با تربیت رسمی، بسیار تأکید شده است. از طرفی نقش برنامه درسی پنهان، تربیت غیررسمی و نهادهای غیررسمی در تربیت، روزافزون شده است.

منابع

۱. خلخال، مرتضی (۱۳۸۱). آسیب‌شناسی نظام برنامه‌ریزی درسی. تهران: سوگند.
۲. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). سند تحول بنیادین آموزش و پرورش. شورای عالی آموزش و پرورش. شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تربیت رسمی و عمومی. شورای عالی آموزش و پرورش.
۳. شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۶). سند زیرنظام راهبری و مدیریت. معاونت آموزشی وزارت آموزش و پرورش. (غیرمستند)
۴. شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۱). برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. مظاهری، حسن (۱۳۹۵). الگوی طراحی برنامه درسی دوره ابتدایی شایستگی محور مبتنی بر اسناد تحول بنیادین. رساله دکتری. دانشگاه آزاد اسلامی. وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۳). برنامه تعالی مدرسه. معاونت آموزشی وزارت آموزش و پرورش.